

چاپ چهارم

دربارهٔ عکاسی

سوزان سونتاگ

فرزانه طاهری



درباره عکاسی

سرشناسه: سانتگ، سوزان، ۱۳۳۳ - ۲۰۰۴ م. Sontag, Susan

عنوان و نام پدیدآور: درباره عکاسی /

اثر سوزان سونتگ، مترجم فرزانه طاهری.

مشخصات نشر: تهران: کتاب آبان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۴۳-۹۱-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: On Photography, c1977.

موضوع: عکاسی هنری

Photography, Artistic: موضوع

موضوع: عکاسی -- فلسفه

Photography -- Philosophy: موضوع

شناسه افزوده: طاهری، فرزانه، ۱۳۳۷ -، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶/۲۵۴ س/ TR۱۸۲

رده بندی دیویی: ۷۷۰/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۰۵۱۵۶

اثر: سوزان سونتگ

مترجم: فرزانه طاهری

ناشران: کتاب آبان، ضمن سینمای جوانان ایران

ویرایش ادبی: هوشنگ گلچیری

مقابله و ویرایش جدید: میرا سی

احسان مجیدی: یاد

مدیر هنری و طراح جلد: احسان رضوی

صفحه آرائی: آتلیه گرافیک آبان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: بوستان کتاب

نوبت چاپ: چهارم، ۱۴۰۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۴۳-۹۱-۳

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.



تهران | خیابان انقلاب | خیابان فروزای اکوی قاتعی | دریاان | شماره ۲ | طبقه همکف | واحد ۱۰ | کد پستی: ۱۳۱۲۷۳۲۸۶۶ | شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۰۱۲

وبسایت: www.abanbooks.com | پست الکترونیک: info@abanbooks.com



درباره عکاسی، فرزانه طاهری



۹۷۸۶۰۰۷۱۳۳۳۹۱۳
انتشارات کتاب آبان ۲۸۰۰۰۰۰۰۰۰
ریال

فهرست

۷	 مقدمه مترجم
۹	 مقدمه ویرایش جدید
۱۳	 مقدمه مؤلف
۱۵	 در غار افلاکون
۳۹	 آمریکا، از میان عکس‌ها به تاریکی
۶۱	 اشیای اندوه‌زا
۹۵	 پهلوانی دیدن
۱۲۳	 انجیل‌های عکاسی
۱۵۷	 جهان تصویری
۱۸۳	 گزیده جملات قصار

مقدمه مترجم

سال ۱۳۶۶ بود که از انجمن سینمای جوانان ایران با من تماس گرفتند و پیشنهاد کردند دربارهٔ عکاس سونتاک را ترجمه کنیم. قرارداد بستیم و حقوق خود بر ترجمه را به صورت قطعی به آنها واگذار کردیم. موشک باران تهران که شروع شد، ترجمه را تمام کرده بودم و هوشنگ گلشیری برایش ترجمه را آغاز کرده بود. از جمله نوروز ۱۳۶۷ را خوب به خاطر دارم که در اتاق نشیمن من، مخروبه در باغی در ده سرخاب در ساوجبلاغ بر زمین می نشست و آن کاغذهای دهنی را که با مداد رویشان ترجمه کرده بودم، بر زانو می گذاشت و با مداد تصحیح می داد. من به نهایی را به انجمن تحویل دادم و حق الترجمه ام را گرفتم. دیگر خبری از سرنوشت ترجمه ام نشنیدم.

سال ۱۳۷۵ بود که زنده یاد کاوه گلستان برای بهاء فیاضی از گلشیری به خانه مان می آمد. یک بار گفت عجب مقالات خوبی! اشاره اش به ترجمه سونتاک بود که آن موقع در مجله عکس به صورت مسلسل در می آمد. اصلاً خبر نداشتم. نشد هم که از او نسخه ای بگیرم.

گذشت تا گمانم دو سه سال پیش که ناشری هنری از من خواست که این ترجمه را برای انتشار به آنها بدهم. گفتم که حقوق مادی اش در اختیارم نیست، ضمن اینکه حتی یک بار هم ترجمه ام را در شکل چاپ شده اش رؤیت نکرده ام. لطف کردند و کپی تمام شماره های مجله و نیز اصل کتاب را در اختیارم گذاشتند. که باز به جایی نرسید چون حقوق مادی ترجمه در اختیار من نبود و فرصت بازنگری در ترجمه ام را نیز نداشتیم. در این میان ناشری دیگر هم خواست این ترجمه را منتشر کند، که باز به جایی نرسید. و کمی بعد هم دو ترجمه از کتاب به بازار آمد.

اواخر سال گذشته، سال ۱۳۹۶، دست‌اندرکاران «انتشارات کتاب آبان» با من تماس گرفتند و گفتند که قصد دارند همان ترجمه را به صورت کامل، یعنی با برگرداندن هرچه در مجله حذف شده بوده، با مشارکت انجمن سینمای جوانان ایران منتشر کنند. به ایشان نیز گفتم که هیچ نسخه‌ای از دست‌نوشته ترجمه ندارم تا مرجع من باشد. قرار شد ویراستاران‌شان ترجمه را به طور کامل با متن اصلی مطابقت دهند. حال این ترجمه که بیش از سی سال از آن می‌گذرد پیش روی خوانندگان قرار گرفته است.

فرزانه طاهری

www.ketab.ir

مقدمه ویرایش جدید

۱.

سوزان سونتگ، از جمله هنرمندان و منتقدانی بود که در حوزه‌های متنوعی فعالیت می‌کرد. او در طول عمر حدود یک ساله خویش علاوه بر نوشتن نقدهایی دربارهٔ تئاتر، سینما، عکاسی و مسائل متنوع اجتماعی سیاسی، رمان‌هایی نوشت که از جمله آثار پر فروش ادبی آمریکا بود. از میان مجریه نقدهایش، مقالات کتاب *علیه تفسیر و دربارهٔ عکاسی* از شهرت و اعتبار گسترده‌ای در میان خوانندگان آثارش برخوردار است. مقالات *دربارهٔ عکاسی* که ابتدا در مجله بررسی کتاب *نیویورک* در سال ۱۹۷۷ چاپ شد، در سال ۱۹۷۸ موفق به کسب جایزه ملی منتقدان آمریکا شد. سونتگ در این مقالات پس از تحلیل‌هایی که از تأثیر و نفوذ عکاسی بر انسان معاصر سخن می‌گوید به خوانش انتقادی آثار تعدادی از عکاسان معاصرش می‌پردازد. امروز مطالعه کتاب *دربارهٔ عکاسی* - در جهانی که هر روز بیش از پیش، انبوه تصاویر به شکلی مهارناپذیر زندگی خصوصی و عمومی ما را در می‌نوردد - فرصتی برای بازخوانی تأثیرات رسانه‌های دیداری بر زندگی انسان معاصر است.

۲.

پیشنهاد ترجمه و چاپ تعدادی از متن‌های نظری عکاسی به نشر آبان، از جمله کتاب *دربارهٔ عکاسی*، به اوایل دههٔ پیش باز می‌گردد، که پس از بررسی ترجمهٔ خانم فرزانه طاهری ضرورت ترجمهٔ مجدد ناموجه می‌نمود. لیکن با وجود تلاش‌های ناشر، چاپ کتاب به دلایلی به تعویق افتاد. ولی همچون پروژه‌ای گشوده و ناتمام با همکاری مدیریت انجمن سینمای جوان این مهم به انجام رسید.

۳.

پس از گفت‌وگو با مترجم محترم، به علت حذف‌ها، جافتادگی‌ها و احتمال برخی اشتباهات در ترجمه اولیهٔ چاپ شده، مقرر شد متن ترجمه با متن انگلیسی کتاب مقابله و موارد مذکور توسط ویراستاران اصلاح گردد. جز این موارد، تغییری در متن ترجمه ایجاد نگردیده است. لازم به ذکر است پانویس‌هایی که با عبارت (مؤلف) مشخص شده است از سونتگ و مابقی پانویس‌ها از مترجم و ویراستاران است.

۴.

دست‌آخرازی که متن اصلی کتاب، از اولین چاپ تاکنون، فاقد عکس است. این مسئله از یک جهت به نگاه اسفند من سونتگ به عکاسی و انباشتگی تصویری عصر ما و از جهت دیگر به غلبه نگاه ادبی بر در نقدهایش باز می‌گردد. سونتگ کتابش را همچون غار افلاطون، محل نمایش و مشاهدهٔ اشباح واقعیت نساخته و تلاش کرده خود و مخاطبانش را رودررو با منبع نور و سره‌ها در دهانه غار قرار دهد. از این روی در چاپ این کتاب تلاش شده شکل و شمایل اصلی کتاب حفظ شود.

میرزا سی‌سی، احسان مجیدی تیرداد

مقدمه مؤلف

همه چیز با یک مقاله شروع شد - پیرامون برخی از مسائل، زیبایی شناختی و اخلاقی، که به سبب حضور همه جایی تصاویر عکسی برانگیخته شدند؛ اما هرچه بیشتر درباره چستی عکس ها اندیشیدم پیچیده تر و پرمعنی تر شدند. بدین ترتیب یک مقاله، مقاله دیگری را به وجود آورد و از یکی (در کمال حیرت من) دیگری را سبب شد، و به همین ترتیب الی آخر - پیشروی مقاله ها، پیرامون معنا و سیر عکس ها - تا جایی که به اندازه کافی از بحث طرح شده در مقاله اول فاصله گرفتم، حرف هایم را مستند کردم و مقالات را به سرانجام رساندم، که مقدور بود در مسیری بسیار نظری تر جمع بندی، مبسوط و متوقف شوند.

مقالات ابتدا (در فرمی تا حدودی متفاوت) در مجله معرفی کتاب نیویورک به چاپ رسید، و احتمالاً اگر حمایت سردبیران آنجا، درست‌ام، ابرت سیلورز و باربارا اپستاین از این دل مشغولی من به عکاسی نبود، این مقالات هرگز نوشته نمی شد. سپاسگزار آنها، و دوستم دان اریک لواین، برای مشاوره های صبورانه و کمک های سخاوتمندانه اش هستم.

سوزان سونتگ

می ۱۹۷۷